

فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

سال پنجم، شماره یازدهم

تابستان 1390

## نقش «سید احمد الحق» در شرح و تفسیر مثنوی مولوی\*

\*\* دکتر شاهرخ محمد بیگی

\*\*\* دکتر محمد بهالدین

### چکیده

سید احمد الحق (1918-2011م) عارف مشهور و پژوهشگر مولوی‌شناس، در بنگلادش است. تألیفات سید احمد الحق، در تشریح و رساندن پیام‌های مولوی به زبان بنگالا، اهمیت بسزایی دارد؛ و به دلیل همین پژوهش‌هاست که وی در سرتاسر بنگلادش شهرت یافته است. اساساً سید احمد الحق محقق برجسته علم تصوف است؛ او در خانواده‌ای صوفی مسلک، به دنیا آمد و با تکیه بر استعداد خدا داد خود، عنوان «پژوهشگر ممتاز» را در زمینه تصوف به دست آورد.

کلید واژه‌ها: مولوی، مثنوی، سید احمد الحق، تصوف، بنگلادش.

\* - تاریخ دریافت مقاله: 90/10/25 تاریخ پذیرش: 91/02/21

\*\* - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز. Email: [Sh\\_beygi@yahoo.com](mailto:Sh_beygi@yahoo.com)

\*\*\* - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، بنگلادش.

## مقدمه

سید احمد الحق، در سال 1918 در روستای «جای ناگر» (JOY NAGAR) از بخش پادوا (PADUA) شهرستان «رانگونیه» (RANGUNIA) در استان «چیتاگانگ»، به دنیا آمد. پدرش، حضرت مولانا سید سراج الحق، از پیروان طریقه «مائیز بهانداری» بود و مریدان فراوان داشته است (مجنون، 1997: 9).

سیداحمد، در سال 1936، از مدرسه «انگلو پلی» (Anglo Poly) در امتحان S.S.C (مدرک کلاس دهم) قبول شد و در سال 1938، از کالج چیتاگانگ، امتحان H.S.C (دیپلم) را با موفقیت پشت سر گذاشت و در سال 1940 از دانشگاه داکا در بخش ادبیات انگلیسی، لیسانس و در سال 1942 از همان دانشگاه فوق لیسانس را اخذ نمود. در سال 1961، از دانشگاه امریکایی بیروت در بخش روابط عمومی (Public Relations) فوق لیسانس را کسب کرد و بعدها در دانشگاه منچستر انگلستان در بخش بازرگانی، تحصیلات عالی را اخذ نمود (مجله یادبود سید احمد الحق، 2006: 18).

در سال 1943، در کالج چیتاگانگ به عنوان مربی انگلیسی مشغول به کار شد و پس از آن شغل‌های مختلف حکومتی را تجربه کرد و در سال 1980، از کارهای دولتی کناره گرفت. و به تجارت، روی آورد و در این کار موفقیت فراوانی به دست آورد (مجنون، 1997: 11).

سیداحمد الحق، در زندگی پر برکت خود، آثار زیادی به تحریر در آورد که اکثر آنها درباره تصوف و عرفان اسلامی است. او با قلم شیوای خود، درباره فرهنگ و تمدن اسلام به ابراز نظر پرداخت و شک و دودلی را از جامعه بر طرف کرد. او با تحقیقات مختلف و زندگی عرفانی، وارد عمق فلسفه اسلامی شد. از زندگی واقعی و تجربه پدرش برای شناخت درست علم تصوف، بهره جست. و



زمینه‌های ناشناخته اسلام را برای پژوهشگران معرفی و ایشان را به کشف رازهای خداوند راهنمایی کرد؛ راهی که برای تزکیه نفس مناسب بود. او سخنان خود را در هر جای و هر مقام، با گفته‌ها و فلسفه مولوی می‌آراست (مجنون، 1997:6).

سیداحمد الحق، در مراسم نکوداشت که برای او ترتیب داده شده بود، به عنوان مولوی پژوه بزرگ بنگالی، گفت: خود را شایسته برگزاری این جلسه نمی‌دانم ولی از سال 1939، همیشه تلاش کرده‌ام زندگی را بر اساس آموزه‌های مولوی بسازم و با صداقت، این کار را کرده‌ام؛ زیرا بر این باورم که همان‌گونه که مولوی می‌گوید: اگر کسی صادق نباشد نمی‌تواند عاشق پروردگار باشد.

بدیع‌العالم، رئیس دانشگاه چیتاگانگ، به نقش سیداحمد الحق در چیتاگانگ اشاره و از وی به عنوان پایه گذار انجمن مولوی در دهه 1990 یاد کرده است و با اشاره به تلاش‌های سید احمد الحق، در تبیین آموزه‌های مولوی گفته است: تلاش‌های او ما را به سوی عشق به خدا و خلق خدا، راهنمایی می‌کند؛ صداقت را به ما آموزش می‌دهد و سعادت دنیوی و اخروی را با تاسی از پیامبر اکرم (ص) به ما می‌شناساند (<http://www.farsnews.com>).

سیداحمد الحق در 93 سالگی، در تاریخ 5 سپتامبر سال 2011، در گذشت و در شهر چیتاگانگ به خاک سپرده شد.

### معرفی و بررسی آثار سید احمد الحق

دکتر سیدمحمدرضا هاشمی در مورد ارزیابی آثار احمد الحق می‌گوید: «احمد الحق، بی‌تردید محقق بزرگی است؛ کسی که در بنگلادش به زبان بنگالا مثنوی را با قلم شیوای خود شرح کرده و با آگاهی دقیق از فلسفه اسلامی، پیام و آموزه‌های مولوی را توضیح داده است. دانش و فهم او از زبان فارسی او را در این کار



کمک کرده است. احمدالحق گفت: "جوانان بنگلادش برای نگاهداری تاریخ، تمدن و فرهنگ خودشان، زبان فارسی و فلسفه اسلامی را - که با فرهنگ خودشان هماهنگ است - به کار خواهند برد. و با تفکر شعرا و فیلسوفانی مانند رومی و حافظ آشنا می‌شوند تا از هجوم فرهنگ بیگانه خودشان را حفظ نمایند" با مجاهدت در زندگی پر برکت و کارهای پژوهشی وی درباره مولوی، جوانان این کشور را به راهی روشن، راهنمایی کرد. جوانان با بررسی آثار این محقق بزرگ، می‌توانند فرهنگ ارزشمند خودشان را ارزیابی کنند و این فرهنگ را روز به روز پیشرفت دهند» (مجله کنفرانس بین المللی رومی، 96:2007).

ک. م سیف‌الاسلام خان، در مقاله‌ای با عنوان «سهم سید احمد الحق در مولوی پژوهی به زبان بنگلا» گفته است: «با مطالعه پژوهش‌ها و تحقیقات گسترده سید احمد الحق به این نتیجه می‌رسیم که وی در تشریح مثنوی مولوی به زبان بنگلا کاملاً موفق بوده است» (سیف‌الاسلام خان، 96:2004).



فصلنامه تخصصی

4

نقش «سیداحمد الحق» در شرح و تفسیر مثنوی مولوی

سیداحمدالحق، در طول حیات خود، مقالات و کتاب‌هایی مبتنی بر آموزه‌های مولوی و مثنوی تألیف و منتشر کرده است، وی در پرتو آموزه‌های مثنوی، فلسفه مولوی را دریافت کرده و خود به فیلسوفی در این زمینه مبدل شده است (<http://www.islahweb.org>).

گرچه سیداحمد الحق، آثار فراوان دارد؛ اما در این مقاله صرفاً آثاری را که راجع به مولوی نگاشته است، معرفی خواهیم کرد. آثار او به شرح زیر است:

(1) مورلیر بیلاپ (MUROLIR BILAP) یعنی بانگ نی، که شامل 28 مقاله است.

(2) مثنوی شریف کهنی و مرمابانی (MASNAVI SHORIFER KAHINI VA MORMOBANI)؛ یعنی قصه‌های مثنوی و پیغام‌های اصلی آن.

علاوه بر این در مجلات مختلف، کارهای پژوهشی او در مورد مولوی، چاپ شده است. در این کارها، دیدگاه او بسیار ارزشمند و شگفت‌انگیز است؛ با این که مطالبی از ادبیات مختلف با اندیشه‌اش آمیخته است اما از آموزه‌های مولوی راه زندگی‌اش را پیدا کرده است.

- (3) مثنوی شریف‌ر پیغام و تفسیر بانی و بهاشوا (MASNAVI SHORIFER PEYGAM VA TAFSIR, BANI VA VASHO) یعنی تفسیر و پیغام‌های مثنوی
- (4) پربنده بیچیترا (PROBONDHO BICHITRA) یعنی مجموعه مقالات
- (5) بنگلادشر صوفی شاهیتا (BANGLADESHER SUFI SHAHITTO)

یعنی ادبیات تصوف در بنگلادش

### کتاب مورلیر بیلاپ

اولین کتاب سیداحمد الحق درباره مثنوی، کتاب «مورلیر بیلاپ» است. این کتاب را به صوفی، محمد میزان الرحمن (صوفی نام آور و سخنران مشهور و رئیس PHP Group) تقدیم کرده است؛ که مجموعه مقالات، راجع به عشق عرفانی است که توسط انتشارات علامه رومی سوسیتی در سال 1996 م. چاپ شده است (مجله کنفرانس بین المللی رومی 97:2007).

سیداحمد الحق در دیباچه این کتاب می‌گوید: «در نوشتن مقاله‌های "مورلیر بیلاپ" احساس کردم با الهام گرفتن از نیروی غیبی می‌نویسم. چنان که ترانه‌ها، ساختار مخصوص دارد همین طور در مقاله‌های این کتاب این ساختار دیده می‌شود» (سید احمد الحق، Morolir Bilap, 1996: دیباچه).

در آغاز این کتاب، تاریخ شناس مشهور و رئیس اسبق دانشگاه چیتاگانگ، عبد الکریم، نوشت: «هر مقاله کتاب "مورلیر بیلاپ" در مورد قرب و عشق به خدا و درباره عشق عمومی میان انسان‌هاست. مقاله‌های او نزد بزرگان قبول خواهد شد در این مورد من هیچ تردیدی ندارم» (مجله کنفرانس بین المللی رومی 97:2007)



فصلنامه تخصصی

5

نقش «سیداحمد  
الحق» در شرح و  
تفسیر مثنوی مولوی



رئیس سابق دانشگاه چیتاگانگ، دکتر ارای چودهووری، گفته است: «در این کتاب 28 مقاله درباره مثنوی مولوی وجود دارد. از نظر من، موضوع مقالات را می‌توان به شرح زیر تقسیم کرد: زندگی و نظریه رومی، عشق الهی، داستان‌های عشق رومی، سرودهای عرفانی، مجد و بزرگی انبیاء و اولیاء، شاعر متصوف عمر خیام و فردوسی، فلسفه مولوی و طریقه مائیز بهانداری، نبوت و ولایت، کربلا و غیره. از طریق این مقاله‌ها، می‌توان اهمیت این کتاب را احساس کرد؛ در این کتاب سید احمد الحق همچون مولوی در مثنوی، از عشق الهی لبریز شده است؛ چنان که شرح درد اشتیاق و آرزوی رسیدن به نیستان، در این کتاب نمایان است. مثنوی مولوی که به قرآن عجم مشهور است؛ مطالبی درباره عقاید مولانا نسبت به خلقت، جریان روح و نظریه عشق، آزادی بیان و انسان کامل را در بر دارد. انعکاس این دست موضوعات و فلسفه‌ای که مولوی در مثنوی خلق کرده است در هر صفحه کتاب "مورلیر بیلاپ" دیده می‌شود» (مجله کنفرانس بین‌المللی رومی، 98:2007)

فیزیک دان مشهور بین‌المللی، دکتر جمال نذر الاسلام، می‌گوید: «در کتاب "مورلیر بیلاپ"، درباره ادیان و عقیده‌های مختلف و درباره ادبیات شرق و غرب، دقیقاً اظهار نظر شده است. برای تشنگان علم، منابع فراوان وجود دارد. علاوه بر این، در سرتاسر این کتاب، نظریه‌ای جالب توجه دیده می‌شود. نظریه‌ای که به پیدایش محبت در میان تمام مردم کمک می‌کند» (همان).

مدیر اسبق روزنامه آزادی، محمد خالد، می‌گوید: «"مورلیر بیلاپ" گمراهان را به راه هدایت، می‌رساند. با تعلیم این کتاب، می‌توان دل آدمی را بیدار کرد تا در نتیجه، انسان کامیاب متولد شود و جهان هم پر سرور شود» (همان).  
از نظر دکتر آنوپم شن، استاد دانشگاه چیتاگانگ، «"مورلیر بیلاپ" کتابی بی‌نظیر است. در این کتاب، دیدگاه مولوی در مثنوی، در مورد عشق ارائه شده

است که از آشنایی با آن، دل و روح سرشار می‌شود. به نظرم چیزی بزرگتر از یافتن این عشق، در جهان وجود ندارد. با مطالعه ادبیات، فلسفه و ادیان تطبیقی، ادبیات عرفانی کشورهای مختلف خصوصاً تأثیر آرای مولوی می‌توان مردم را در جهاد با نفس، پیروز کرد و درس عشق را به همگان آموخت» (مجله کنفرانس بین المللی رومی، 2007: 98)

سیداحمد الحق، ضمن انعکاس آراء مولوی، عقاید خود را در باب مسائلی چون: تعریف عشق، دین و فرقه‌گرایی، زندگی مسالمت‌آمیز، شکل نبوت و ولایت و بنیادگرایی، بیان کرده است که همگی این نظرات، از مثنوی مولوی، تأثیر پذیرفته است (سیداحمد الحق، Bangladeshher Sufi Shahitto، 2007: 135).

هم چنین در این کتاب، در مورد نظریه عشق، وحدت وجود، آفرینش آدم، احترام و پیروی از پیر و مراد، سماع و سرود مذهبی و آهنگ عرفانی، بحث شده است. سیداحمد الحق، درباره فلسفه آفرینش آدم از نظر مولوی، می‌گوید: «کسانی که نظریه آفرینش آدم را همان فرضیه خلقت داروین به حساب آورده‌اند، اشتباه کرده‌اند. مولانا در جای‌های مختلف مثنوی و دیوان شمس تبریزی این نظریه را بیان کرده است» (سیداحمدالحق، Masnavi Sharifer Kahini va Mormobani، 2000: 9)

سیداحمد الحق برای اثبات این نظریه دلائلی از قرآن و مثنوی و دیوان شمس، آورده است:

از جمادی مردم و نامی شدم	وز نما مردم به حیوان سر زدم
مردم از حیوانی و آدم شدم	پس چه ترسم کی ز مردن کم شدم
حمله دیگر بمیرم از بشر	تا بر آرم از ملائک بال و پر
وز ملک هم بایدم جستن ز جو	کل شی هالک الا وجهه
بار دیگر از ملک قربان شوم	آنچه اندر و هم ناید آن شوم
پس عدم کردم چون ارغنون	گویدم کانا الیه راجعون

(مولوی، 1360، د: 3، 3902-3907)  
(همان: 10)





در تشریح این بیت‌ها، سیداحمد الحق، می‌گوید: «مولانا می‌خواهد بگوید یک قدرت عظیم، هر چیزی را به بالا برمی‌کشاند. سنگ‌های معدن با تبدیل وجود خود، خاک می‌شوند. همین طور، این آب و خاک و بذر از تبدیل شکل خود، برنج یا سبزه یا میوه می‌شوند. مردم آن را می‌خورند و به سبب آن در میان آنها خون و نیروی تولید مثل پیدا می‌شود. در نوبت دیگری شکل ایشان متحول می‌شود به نوع پیشرفته‌تری، ترقی می‌یابند. وقتی که انسان بمیرد تبدیل به موجودی بالاتر و فرشته گونه می‌شود سپس به خداوند ملحق می‌شود» (سیداحمدالحق، Masnavi Sharifer Poygham va Tafsir : Bani va vassho, 2004: 196) چنان که خداوند در قرآن فرموده است: انا نحن نرث الارض و من علیها و الینا یرجعون (مریم: 40) ما، زمین و تمام کسانی را که بر آن هستند، به ارث می‌بریم و همگی به سوی ما باز گردانده می‌شوند.

نویسنده این کتاب، در جواب این پرسش که، عشق چیست؟ زیباترین تعریف عشق را از نظر مولوی بیان کرده است: «در جهان آن قدر که واژه "عشق" کاربرد دارد، از نظر من واژه دیگری در زبان مردم استعمال نشده است. در کتاب‌های دینی، ادبیات، تاریخ حتی در کتاب‌های علوم هم این واژه عشق دیده می‌شود» (سید احمد الحق، Morolir Bilap, 1996: 25)

احمد الحق با طرح مباحث احساس عشق و فلسفه آن و آوردن اشعار شاعران دیگر بر جلوه مثنوی مولوی افزوده است. عطار گفته است:

عقل می‌گوید که خود را بیش کن      عشق می‌گوید که ترک خویش کن  
(مجله کنفرانس بین المللی رومی، 2007: 99)

### کتاب مثنوی شریف کهنی و مرمانی

کتاب دیگری که در مورد مثنوی مولوی نگاشته شده، مثنوی شریف کهنی و مرمانی (MASNAVI SHARIFER KAHINI VA MORMOBANI) یعنی





داستان‌های مثنوی و پیام اصلی آن، است. اسراری که در مثنوی مولوی دیده می‌شود، حیرت‌انگیز است و چون بیان فلسفه زندگی مولوی با گزینش و انتخاب اشعار او، کار خیلی دشواری است، سیداحمد الحق، این کار دشوار را با موفقیت انجام داده و صد و پنجاه داستان از مثنوی مولوی و پیام اصلی آنها را در این کتاب توضیح داده است. کاری که نزد مردان و زنان و پیران و جوانان اهل زبان بنگلا مقبول، واقع شده است (مجله کنفرانس بین المللی رومی، 2007:99).

سیدعلی احسن، شاعر بزرگ بنگالی زبان، درباره این کتاب گفته است: «این کتاب تفسیر ارزشمند مثنوی مولوی است» (سید احمدالحق، Masnavi, Sharifer, 2000 Kahini va Mormobani دیباچه)

در این کتاب، ابیاتی از داستان‌های مثنوی مولوی با تلفظ فارسی و با معنی آن آورده شده است، هم چنین، سیداحمد الحق، دیدگاه خود را درباره بخش‌های مثنوی و انتخاب داستان‌ها، ارائه نموده است.

او در آغاز این کتاب، دیدگاه مولوی را درباره عشق با آوردن ابیاتی از مثنوی معنوی، نشان داده است:

گفت لیلی را خلیفه کان توی	کز تو مجنون شد پریشان و غوی
از دگر خوبان تو افزون نیستی	گفت خامش چون تو مجنون نیستی
دیده مجنون اگر بودی ترا	هر دو عالم بی خطر بودی ترا
با خودی تو لیک مجنون بی خودست	در طریق عشق بیداری بدست

(مولوی، 1360، د: 1: 407) (همان: 5)

سید احمدالحق، با آوردن اشعار شاعران مشهور جهان و مطالبی از کتب ادیان مختلف، عمق فلسفه مولوی را نمایانده است. مثلاً در بیان فلسفه سماع، این ابیات را از باب سوم بوستان سعدی آورده است:

جهان پر سما عست و مستی و شور	و لیکن چه بیند در آینه کور
نبینی شتر بر نوای عرب	که چووش بر رقص اندر آرد طرب

(سید احمد الحق، Masnavi Sharifer Poygham va Tafsir : Bani va vassho، 10:2004)

برای تایید دیدگاه مولوی، شعر شکسپیر را آورده:

THE MAN THAT HATH NO MUSIC IN HIMSELF  
NOR IS NOT MOVED WITH CONCORD OF SWEET SOUND  
IS FIT FOR TREASONS, STRATEGEMS AND SPOILS  
(MERCENT OF VENICE)

«انسانی که در درون خود نه دریاچه‌ای از آواز و نه حرکتی سازگار با صدای  
مطبوع (سماع) را حس نکند؛ شایسته نامیدن با اوصافی چون: شیاد، حيله‌گر و  
تباه است» (تاجر ونیزی)

(سید احمد الحق، Masnavi Sharifer Kahini va Mormobani، 21:2000)



فصلنامه تخصصی

10

نقش «سید احمد  
الحق» در شرح و  
تفسیر مثنوی مولوی

### کتاب مثنوی شریف پیغام و تفسیر: بانی و بهاشا

کتاب دیگر سید احمد الحق، مثنوی شریف پیغام و تفسیر: بانی و بهاشا (MASNAVI

SHORIFER PEYGAM VA TAFSIR : BANI VAVASHO) یعنی داستان‌های

مثنوی و پیام و تفسیر آن، است. این کتاب درباره نقد و ادبیات جهان است؛ از  
عنوان‌های 81 مقاله این کتاب، می‌توان استعداد انتخاب نویسنده را درک کرد. در  
این کتاب، فقط یک در صد ابیات مثنوی مولوی تفسیر شده و بدون شک این  
انتخاب، انتخابی بر بنیان عشق و اندیشه است. کتاب ارجمندی که هر یک از  
بیست و سه هزار بیت آن، مثل الماس، نور می‌افشاند، بدون تسلط کامل او بر  
مثنوی معنوی، ممکن نبود. در میان عقیده‌های برجسته مولوی، چند عقیده را در  
این کتاب مشخص کرد؛ مثلاً عقیده عشق، همه اوست (وحدت وجود)، نظریه  
آفرینش آدم، احترام به پیر و مراد، سماع و رقص (مجله کنفرانس بین المللی رومی  
100:2007).

سیداحمد الحق، در سرآغاز این کتاب می‌نویسد: «مثنوی شریف بهترین اثر مولوی است. در شش جلد این کتاب تمثیلات و آثار عشق الهی وجود دارد. نیکلسون می‌گوید: "مولانا جلال الدین بهترین شاعر متصوف جهان است." "ای، ژ، اربری"، عرفان پژوه نیز همین نظر را اظهار کرده است. در میان شش جلد مثنوی شریف، تقریباً بیست و شش هزار بیت و بیشتر از چهار صد و بیست و یک داستان بلند و کوتاه وجود دارد و در هر یک از این داستان‌ها نغمه عشق و عاشقی دیده می‌شود» (سید احمدالحق، Bani Masnavi Sharifer Poygham va Tafsir : 202:2004, va vassho)

مسلمانان جهان، به سه کلمه واژه شریف را اضافه می‌کنند:

(1) قرآن شریف

(2) حدیث شریف

(3) مثنوی شریف

(سید احمدالحق، Bangladeshher Sufi Shahitto, 134:2007)

در این جهان، هیچ زبانی وجود ندارد که در آن مثنوی مولوی به صورت کامل یا جزئی از آن ترجمه نشده باشد. از زمان‌های گذشته، این کتاب بزرگ بر ادبیات انگلیسی، فرانسه، آلمانی، اردو و بنگالا تأثیر فراوان گذاشته است. شاعران متصوف بنگالا مثل تاگور، لالن فقیر، حسن راجا، رامش شیل با توجه به مثنوی، شعرهای خود را سروده‌اند. بزرگترین شاعر اردو زبان، علامه اقبال لاهوری پیرو اندیشه ملای رومی بود. او تقریباً در هر مقاله با آوردن اقتباس‌هایی از شاعران و ادبا و فیلسوفان مشهور جهان، بر اثر بخشی آثار خود افزوده است. شاعران انگلیسی مانند شکسپیر، تینیس میلتن، ورس وات و ویلیام بلک و لانگ فیلو اقتباس‌های فراوان از این اثر دارند. در آخرین بخش این کتاب به عنوان زندگی نامه کوتاه مولانا جلال الدین رومی، درباره پنج فلسفه او به بحث پرداخته است:



فصلنامه تخصصی

11

نقش «سیداحمد الحق» در شرح و تفسیر مثنوی مولوی

(1) عقیده عشق

(2) همه اوست (وحدت وجود)

(3) نظریه آفرینش آدم

(4) احترام و پیروی به پیر و مراد

(5) سماع و رقص

(مجله کنفرانس بین المللی رومی، 101:2007)

همین طور اقتباس‌های شاعران ایرانی را برای مقایسه در این کتاب آورده است؛ مانند: سعدی، حافظ، خیام، جامی.

### کتاب پربنده بیچیترا

دیگر کتاب سیداحمد الحق تحت عنوان «پربنده بیچیترا» یعنی مجموعه مقالات (PROBONDH BICHITRA)، که توسط سیدمحمود الحق و نذرالاسلام چودهوری در مجموعه‌ای با بیست و سه مقاله مهم در سال 1990م در چیتاگانک، منتشر شد (همان).

دیباچه کتاب با بحثی درباره ملائی روم و مثنویش آغاز می شود. در اولین مقاله با عنوان «چهره عشق و پیروی مولانا جلال‌الدین رومی»، سیداحمد الحق زندگی و آثار و عقیده و فلسفه مثنوی را با نثر شیوای خود ارزیابی کرده و در این کار کاملاً موفق شده است. از نظر او «در دریای ژرف مثنوی مولوی گوهرهای گوناگون وجود دارد. برای دریافت این گوهر در میان این دریا باید غوطه‌ور شد. منتقد ادبیات، پژوهشگر یا فیلسوف ممکن است که بتواند بر بالای این دریا شنا کند اما تحصیل این گوهرها از عمق این دریا برای ایشان ممکن نمی‌شود» (سید احمد الحق، Probondho Bichitra، 1:1990).

نویسنده در این کتاب، مقایسه فلسفه عشق مولوی و افلاطون را با بیان دقیق تبیین کرده است که مولانا از فلسفه افلاطون تأثیر نپذیرفته بلکه با الهام گرفتن از



فصلنامه تخصصی

12

نقش «سیداحمد  
الحق» در شرح و  
تفسیر مثنوی مولوی

قرآن و سنت و فلسفه اسلامی افکار و اندیشه خود را بیان نموده و این نظر را در این کتاب اثبات کرده است (مجله کنفرانس بین المللی رومی، 2007:101).  
عده‌ای دیدگاه عرفانی مولوی و فرضیه خلقت «داروین» را خلط کردند و به اشتباه افتادند. سیداحمد الحق، با استدلال دقیق، این عقیده را رد کرده و گفته است: «کسانی که عقیده مولوی را به عقیده داروین تشبیه می‌کنند آنها بر این دانشمند بزرگ ظلم می‌کنند» (سیداحمد الحق، Probonkho Bichitra، 1990:10).

### کتاب بنگلادشر صوفی شاهتا

اثر جالب دیگری که از سیداحمد الحق، باقی مانده است تحت عنوان «بنگلادشر صوفی شاهتا» یعنی ادبیات متصوف بنگلادشر است. در این کتاب زندگی و آثار و ویژگی 33 شاعر متصوف بنگالی و مشابهت کارهای ایشان با مولوی و تأثیر مثنوی بر کار ایشان بیان شده است. مشهورترین آنان، شاه محمد صغیر، عبدالحکیم، سید علاول، لالن شاه، حسن راجا، تاگور و قاضی نذرالاسلام‌اند. خصوصاً در کارهای لالن و تاگور، مشابهت زیادی یافت می‌شود.

### نتیجه

سیداحمد الحق، مولوی پژوه بزرگ بنگالی است که توانست بر اساس آموزه‌های مولوی، زندگی خود را بسازد و بر این باور بود که اگر کسی صادق نباشد نمی‌تواند عاشق پروردگار باشد. و در این راه تألیفات زیادی از او به یادگار باقی مانده است که مردم بنگلادشر از طریق آثار او دیدگاه و فلسفه مولوی را شناختند. از جمله آثار مهم او عبارتند از:

1- مورلیر بیلاپ یعنی بانگ نی (MUROLIR BILAP)

2- مثنوی شریف کهنی و مرمانی یعنی قصه‌های مثنوی و پیغام‌های اصلی آن (MASNAVI SHORIFER KAHINI VA MORMOBANI)



فصلنامه تخصصی

13

نقش «سیداحمد  
الحق» در شرح و  
تفسیر مثنوی مولوی

- 3- مثنوی شریف پیغام و تفسیر، بانی و بهاشوا یعنی تفسیر و پیغامهای مثنوی  
(MASNAVI SHORIFER PEYGAM VA TAFSIR, BANI VA VASHO)
- 4- پربنده بیچیترا یعنی مجموعه مقالات (PROBONDHO BICHITRA)
- 5- بنگلادشر صوفی شاهیتا یعنی ادبیات تصوف در بنگلادش  
(BANGLADESHE SUFI SHAHITTO)

\*\*\*\*\*

## فهرست منابع

- ❖ قرآن کریم؛ (1387 ش.)، ترجمه مکارم شیرازی، قم: انتشارات اسوه.
- ❖ سیداحمدالحق؛ (2007)، **Bangladesher Sufi Shahitto**، علامه رومی سوسیتی.
- ❖ -----؛ (2000)، **Masnavi Sharifer Kahini va Mormobani**، علامه رومی سوسیتی.
- ❖ -----؛ (2004)، **Masnavi Sharifer Poygham va Tafsir :Bani va vassho**، علامه رومی سوسیتی.
- ❖ -----؛ (1996)، **Morolir Bilap**، علامه رومی سوسیتی.
- ❖ -----؛ (1990)، **Probondho Bichitra**، چیتاگنگ.
- ❖ سیف الاسلام خان؛ (2004)، **Bangla Vashay Rumi Charcha : Sayed Ahmadul Huqer Obodan**، علامه رومی سوسیتی.
- ❖ مجله کنفرانس بین المللی رومی؛ (2007)، علامه رومی سوسیتی.
- ❖ مجله یاد بود سیداحمدالحق؛ (2006)، علامه رومی سوسیتی و انجمن فارسی بنگلادش.
- ❖ مجنون، سخاوت حسین، مانی، مرزینہ اختر. (1997).
- ❖ **sufitotter gobeshok syed ahmadul huq, Srijoni Prokashoni Shansta, Agrabad, Chittagong,**
- ❖ <http://www.farsnews.com>
- ❖ <http://www.islahweb.org>



فصلنامه تخصصی

14

نقش «سیداحمد  
الحق» در شرح و  
تفسیر مثنوی مولوی

